

به کنگره کار کانادا

در رابطه با نامه به یداله خسروشاهی

امیر پیام، بهمن شفیق، عباس فرد

شنبه سی آذر ۱۳۸۷

آقای کن جورجی،

با حیرت و تأسف نامه شما در پاسخ به یداله خسروشاهی را در سایتهای اینترنتی دیدیم. به این وسیله لازم میدانیم مراتب اعتراض شدید خود به آن نامه را به اطلاعات برسانیم و از شما بخواهیم که در خط و مشی ای که در پیش گرفته اید تجدید نظر کنید.

ما امضاء کنندگان نامه حاضر از سالها قبل همه طرفین درگیر در ماجرای را که اخیراً و در رابطه با سالیاداری سنتز پیش آمده است می شناسیم و با همه آنها در مقاطعی متفاوت همکاری نیز داشته ایم. آنچه که امروز تحت عنوان «خطر سالیاداری سنتز» در محافل منتسب به جنبش کارگری طرح شده است و دامنه آن اکنون گریبان تشکلهای واقعی جنبش کارگری در ایران را نیز گرفته است، از نظر ما یکی از حساس ترین چالشهای سیاسی مقابل جنبش کارگری در ایران را تشکیل می دهد و به همین دلیل نیز برخورد به این موضوع از نظر ما همواره مستلزم مسئولیتی ویژه بوده و خواهد بود. روشن است که برای ما به عنوان بخشی از فعالین سوسیالیست جنبش کارگری مسأله بر سر ماهیت سالیاداری سنتز نبوده است. سالیاداری سنتز از نظر ما مرکزی برای پیشبرد سیاست ضدکمونیستی در درون جنبشهای کارگری است و ضدکمونیسم در جنبش کارگری نیز چیزی جز ضدیت با استقلال طبقه کارگر و قربانی کردن منافع عمومی طبقه به پای منافع سرمایه نیست. در رابطه با موضوع برقراری ارتباط با این مرکز از سوی فعالین خارج از کشور نیز، ما امضا کنندگان نامه حاضر همواره مخالف قاطع برقراری چنین رابطه ای بودیم. اما موضوع سالیاداری سنتز در ایران بسیار فراتر از این ارزیابی است. نخست این که همواره اعتقاد داشتیم که هم شرایط جهانی امروز با شرایط جهانی آغاز دهه هشتاد قرن پیش تماماً متمایز است و هم جنبش کارگری ایران از مبانی و سنتهای بغایت نیرومندی برای دفاع از استقلال طبقاتی خود برخوردار است و هیچ مرکزی در دنیا نخواهد توانست این جنبش را به زیر سیطره خود بکشد و یا آن را به انحطاط بکشد. به همین دلیل نیز ما همواره در مباحثاتی که در آن شرکت داشته ایم، چه در سطح علنی و چه در درون روابط سیاسی پیرامون خود، بر این تأکید داشته ایم که خطری به عنوان خطر نفوذ سالیاداری سنتز جنبش کارگری ایران را تهدید نمی کند. اما وجه دوم موضوع که حساسیت مسأله را به مراتب بیشتر افزایش می دهد وجود رژیم جمهوری اسلامی است که ضدآمریکانیسم یکی از پایه های اصلی ایدئولوژیک آن را تشکیل می دهد. در کشوری که آمریکا را رسماً به عنوان شیطان بزرگ معرفی می کند، پیوند با آمریکا و یا اعلام سمپاتی به آن یکی از بزرگترین جرائم سیاسی به شمار می رود و بدون تردید خطر زندان و حتی مرگ را با خود همراه دارد. به همین دلیل نیز ما همواره و به طور قاطع

مخالف ایجاد جنجال سیاسی بر سر مسأله نفوذ یا عدم نفوذ سالی‌داری سنتز در جنبش کارگری ایران بودیم و هنوز هم بر این مخالفت پافشاری می‌کنیم. به ویژه ما جریان‌اتی را که با پراکندن شایعات غیر واقعی در این زمینه در پوشش ضدامپریالیسم و با هر بهانه دیگری به ایجاد بدبینی نسبت به فعالین جنبش کارگری دست زده اند، به عنوان جریان‌اتی ضدکارگری ارزیابی کرده ایم و تاکنون نیز به مقابله با آنها پرداخته ایم. از نظر ما جنبش کارگری ایران میتواند و باید چنین مباحثاتی را در درون خود و با متانت و خویشتنداری لازم و به دور از جنجال برای بهره برداری سیاسی حل کند. از نظر ما ایجاد هر نوع جنجالی پیرامون این موضوع در شرایط توازن قوای امروز ایران مستقیماً به تقویت جمهوری اسلامی منجر خواهد شد. ما همان سیاستی را دنبال کرده ایم که در اطلاعیه اخیر سندیکای کارگران شرکت واحد نیز به درستی بر آن تأکید شده است.

ذکر این نکات را از آن رو لازم دانستیم که تأکید کنیم ما در این زمینه سیاستی متفاوت را دنبال کرده ایم و این نظر متفاوت خود را به اطلاع دوستان خود در «ائتلاف بین‌المللی در حمایت از کارگران ایران»، و بویژه رفیق ارزشمندمان یداله خسروشاهی، نیز رسانده ایم. جنجالی که در ماهها و هفته های اخیر بدون هیچ زمینه ای پیرامون موضوع سالی‌داری سنتز بر پا شده است از نظر ما سیاست ضدکارگری کسانی است که در واکنش به انزوای روزافزون خود در در جنبش کارگری ایران در پناه طرح این موضوع منافی غیر از منافع جنبش کارگری را دنبال میکنند. اما ما هیچگاه تردیدی در این نداشتیم که فعالین «ائتلاف» علیرغم هر اشتباهی از حساسیت و مسئولیت طبقاتی لازم برخوردارند و موضعگیریهای آنان اساساً بر مبنای تلاش برای حفظ استقلال طبقاتی کارگران صورت می‌گیرد. فعالیت ده ساله «ائتلاف» در جلب حمایت بین‌المللی از مبارزات طبقه کارگر در ایران در عین تلاش برای حفاظت از استقلال طبقاتی کارگران خود بهترین گواه این امر است. به ویژه تا جایی که به فعالین اصلی «ائتلاف» و در درجه اول یداله خسروشاهی برمیگردد، تاریخ زندگی تک‌تک آنان با مبارزه در راه اهداف طبقه کارگر و خدمت به جنبش کارگری عجین شده است. با تأسف عمیق باید اعلام کنیم که نامه توهین آمیز شما یکسره به این حقایق بی‌اعتناست.

شما در نامه خود بر انعکاس حقایق تأکید کرده اید. ما نیز اجازه می‌خواهیم بر حقایقی دیگر پافشاری کنیم که شما ندیده اید و یا به شما وارونه جلوه داده اند.

شما در متن اصلی نامه خود به خود اجازه داده اید و اعلام کرده اید که «ائتلاف» و شخص یداله خسروشاهی «صدای مشروع کارگران ایران و یا صدای مشروع مبارزات آنان» نیستند. این کار شما حقیقتاً خلاف همه اصول اولیه فعالیت سیاسی و سنتهای جنبش کارگری جهانی است. شما با طرح کردن «صدای مشروع کارگران» بحثان را حقوقی وانمود میکنید و نمایندگی کارگران را القا می‌کنید تا در پس آن یک حکم سیاسی غیر قابل قبول را جا بیندازید. یداله خسروشاهی و «ائتلاف» هیچگاه ادعا نکرده اند که کارگران ایران را نمایندگی می‌کنند. این حقیقت ندارد. تمام تلاش یداله خسروشاهی بر این بوده است که جنبش کارگری ایران در روابط بین‌المللی خود مستقیماً و از طریق تشکلهای توده ای خود در ایران نمایندگی شود. درست یا نادرست، یداله خسروشاهی همواره بر این اعتقاد بوده است که نه خود وی و نه هیچکس دیگری، تأکید میکنیم هیچکس دیگری، نمیتواند و نباید در مقام نماینده کارگران ایران در خارج از کشور ظاهر شود. میتوان مخالف این نظر بود، اما نمی‌توان صاحب چنین نظری را

مدعی نمایندگی جنبش کارگری ایران معرفی کرد. بحث شما اما محدود به این نیست. شما حتی منکر مشروعیت «ائتلاف» در انعکاس مبارزات کارگران ایران می شوید. چه کسی به شما چنین حقی را داده است که مشروعیت و یا عدم مشروعیت مبارزه فعالین تبعیدی جنبش کارگری را تعیین کنید؟ نه شما و نه هیچکس دیگر به هیچ وجه کوچکترین حقی در این زمینه ندارید. هر فعال جنبش کارگری، هر سوسیالیست، هر تبعیدی مبارزی نه تنها از حق مشروع انعکاس مبارزات کارگران برخوردار است، بلکه همچنین انعکاس این مبارزات را وظیفه طبقاتی خود می داند. حتی اگر تمام آن مراکز کشوری مورد اشاره شما نیز به این نتیجه رسیده باشند که با «ائتلاف» همکاری نکنند، این ذره ای از حقانیت و مشروعیت فعالیت «ائتلاف» کم نمی کند. مشروعیت مبارزه طبقاتی را وجدان طبقاتی انسانها تعیین می کند و نه هیچ نهادی. شما میتوانید مخالفت خود را با «ائتلاف» اعلام کنید، اما مجاز نیستید قیم مآبانه تعیین کنید که چه کسانی و به چه شیوه ای و با چه سیاستی مبارزه کنند.

شما از وجود کسانی در «ائتلاف» نام برده اید که «مشتاق به دریافت کمک و اعانه از سالیاداریتی سنتر بوده اند». ما میدانیم که شما از چه کسانی حرف میزنید و چگونه «اشتیاق» آنان به اطلاع شما رسیده است. با صراحت اعلام میکنیم که فعالین «ائتلاف» را می شناسیم و میدانیم که در هیچ دوره ای در میان فعالین «ائتلاف» چنین اشتیاقی وجود نداشته است. مسأله اما تنها این نیست. مهم تر از آن این است که شما به این وسیله دقیقاً به همان ابزاری متوسل شده اید که پرووکاتورهای سیاسی به کار می گیرند. آنها همکار شما مهدی کوهستانی را به چنین رابطه ای متهم کرده اند و شما اکنون توپ را به زمین دیگران می اندازید و کسان دیگری از «ائتلاف» را به چنین چیزی متهم می کنید. این برخورد شما غیرمسئولانه است. اظهار نظرهای بی پایه ای از این دست نه تنها روشنگر هیچ مشکلی نیستند، بلکه حتی به مانعی جدی بر سر راه جنبش کارگری تبدیل خواهند شد و در مورد مشخص ایران نیز یادآور روشهایی هستند که همین امروز به کرات از جانب دستگاه سیاسی و قضائی جمهوری اسلامی بر علیه همه فعالین جنبشهای اجتماعی، از جمله جنبش کارگری به کار گرفته می شوند. چنین برخوردی از شما که در کشوری زندگی می کنید که بر خلاف ایران وارد کردن اتهام بی پایه جرم قابل تعقیب است، حقیقتاً دور از انتظار است.

و سرانجام این که این سؤال بدون پاسخ می ماند که چرا پاسخ شما به نامه خصوصی یداله خسروشاهی در سطح علنی پخش شده است؟ چه کسی و یا چه کسانی مسئول این کارند؟ از چه زمانی رسم بر علنی کردن مکاتبات و گفتارهای خصوصی قرار گرفته است؟ آیا شما خود مسئولیت این علنی کردن را برعهده میگیرید؟ اگر نه، عکس العمل شما نسبت به کسانی که دست به این اقدام زده اند چه خواهد بود؟ تأکید میکنیم که ایجاد جنجال علنی پیرامون این موضوع مستقیماً به انحراف کشاندن جنبش کارگری است و کسانی که به هر دلیل به این جنجال سازی رومی آورند، کوچکترین علاقه ای به سرنوشت جنبش کارگری ایران ندارند. صراحتاً بگوییم که اگر مهدی کوهستانی نژاد مسئول این علنی شدن است، لازم است که شما برای حفظ اعتبار خود این را نیز به طور علنی اعلام کنید تا فعالین جنبش کارگری بدانند. چه کسی میتواند تضمین کند که فردا آقای کوهستانی نژاد نامه خصوصی دیگری را نیز علنی نخواهد کرد؟

آقای کن جورجتی،

فکر میکنیم که شما به اندازه کافی در جنبش کارگری حضور داشته اید که بدانید این جنبشی است که فعالین و رهبران خود را تنها در دل مبارزات سنگین به دست می آورد. این جنبشی نیست که رهبران خود را از کارخانه های

رهبرسازی هاروارد و سوربن بیرون بکشد. هر ذره از اعتبار رهبران حال و گذشته این جنبش به قیمت فداکاری های سنگین به دست آمده است و همین نیز حفظ حرمت و احترام این رهبران را برای همه فعالین علاقمند به جنبش کارگری ضروری می کند. عمیقا از این متأسف شدیم که در برخورد شما به یداله خسروشاهی حتی ذره ای از این احترام را مشاهده نکرده ایم. شما که ظاهرا به کارنامه زندگی و موقعیت یداله خسروشاهی در میان کارگران نفت مطلع هستید، آیا هیچ میدانید که این موقعیت در یک انتخابات «گل و بلبل» به دست نیامده است؟ آیا از تعداد ضربات شلاقی که بر کف پای یداله خسروشاهی و برای وادار کردن وی به زیر پا گذاشتن منافع همان کارگران وارد آمده است (چیزی که در کشور شما تصور آن هم غیر ممکن است) نیز اطلاع دارید؟ آیا از سالهای زندان و تبعید و شکنجه همان «دبیر سابق سندیکای پالایشگاه» نیز خبر دارید؟ آیا میدانید که هیچ کدام از این ناملایمتی ها ذره ای هم در اراده طبقاتی این مبارز دیرینه خلل وارد نکرده است؟ تردید داریم. اگر همه اینها را می دانستید، از یداله خسروشاهی میخواستید که بیشتر با شما مکاتبه کند. اگر به ارج و قرب این تاریخ پر افتخار واقف بودید، بیشتر و بیشتر از یداله خسرو شاهی نظر و مشورت میخواستید نه این که از او بخواهید دیگر با شما مکاتبه نکند. آیا حقیقتا شما در آینده نیز به آن رهبرانی از جنبش کارگری که با سیاستهای شما مخالف باشند چنین برخورد خواهید کرد؟ حقیقتا از این متأسفیم.

آقای کن جورجتی،

موقعیت و جایگاه امروز یداله خسروشاهی محصول نیم قرن مبارزه پیگیر او در دفاع از جنبش طبقه کارگر ایران است. این موقعیت را کسی به او تقدیم نکرده است که امروز بتواند از او پس بگیرد. این موقعیت از جمله محصول اعتصابات قهرمانانه کارگران صنعت نفت ایران در مبارزه بر علیه دیکتاتوری سلطنتی و به زیر کشاندن پناه سال استبداد است که یداله خسروشاهی یکی از برجسته ترین رهبران آن بود. یقین داریم که تشکلهای امروز جنبش کارگری در ایران نیز با همین حساسیت و مسئولیت به این امر مهم برخورد خواهند کرد. امیدواریم که شما نیز در برخورد خود تجدید نظر نمائید و این را نیز به طور علنی اعلام کنید.

امیر پیام، بهمن شفیق، عباس فرد

۲۰ دسامبر ۲۰۰۸

رونوشت به:

رفیق یداله خسروشاهی

سندیکای کارگران اتوبوسرانی شرکت واحد تهران و حومه

اتحادیه آزاد کارگران ایران

کانون مدافعان حقوق کارگران

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه